

اندازه‌گیری هزینه‌های مبادله در اقتصاد ایران

(مطالعه موردی: هزینه‌های سرقفلی واحدهای تجاری در شهر کرمانشاه)

جمال فتح‌اللهی^۱

سید محمدباقر نجفی^۲

زهرا علی‌نژاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۷

چکیده

هزینه‌های تولید کالا و خدمات شامل هزینه‌های تبدیل و مبادله است. هزینه‌های تبدیل، هزینه تولید فیزیکی هستند. هزینه‌های مبادله شامل هزینه‌های اندازه‌گیری ویژگی‌های مادی و صفات حقوقی مورد مبادله و هزینه‌های تضمین و اجرای قراردادهاست که اقتصاد نئوکلاسیک آنها را نادیده می‌گیرد. هزینه‌های مبادله نقش مهمی در عملکرد اقتصادی ایفا می‌کنند؛ زیرا انباشت دانش، تخصص‌گرایی، تقسیم‌کار و رونق تجارت، تابع معکوسی از هزینه‌های سرانه مبادلات است. هزینه‌های مبادله مصادیق مختلفی دارد. یکی از عمده‌ترین آنها در بخش بازرگانی اقتصاد ایران، هزینه‌های سرقفلی است.

هدف از این مطالعه، برآورد میزان هزینه سرقفلی واحدهای تجاری خرده‌فروشی شهر کرمانشاه به‌عنوان یکی از انواع هزینه‌های مبادله می‌باشد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در سیاست‌گذاری برای اصلاح ترکیب سرمایه‌ها و افزایش سهم سرمایه‌های تولیدی به‌کار گرفته شود.

این پژوهش از چهارچوب نظری اقتصاد نهادی بهره می‌گیرد. روش تحقیق در این مطالعه پیمایشی است. اطلاعات مورد نیاز به‌منظور برآورد هزینه سرقفلی از طریق مصاحبه حضوری با مسئول واحد تجاری در یک نمونه ۵۰ واحدی از بین کارگاه‌های خرده‌فروشی شهر کرمانشاه جمع‌آوری گردیده که نتایج آن به شرح زیر است:

۱- مجموع هزینه سرقفلی سالانه در سطح کل واحدهای خرده‌فروشی شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۱ معادل ۳۰۱۴ میلیارد ریال (۳۰۱ میلیارد تومان) می‌باشد. ۲- هر واحد خرده‌فروشی به‌طور میانگین ماهیانه هزینه‌ای بالغ بر ۱۵ میلیون ریال به‌واسطه وجود حق سرقفلی متحمل می‌شود. ۳- ارزش سرمایه سرقفلی کل واحدهای تجاری خرده‌فروشی در سطح شهر کرمانشاه برابر با ۴۵۶۷۹ میلیارد ریال (۴۵۶۸ میلیارد تومان) است. این رقم به تنهایی معادل ۵۳ درصد از کل سرمایه‌گذاری انجام‌شده در استان طی سال ۱۳۹۱ می‌باشد.

واژگان کلیدی: هزینه مبادله، سرقفلی، اقتصاد نهادی، کرمانشاه، کارگاه خرده‌فروشی، اقتصاد ایران

طبقه‌بندی JEL: D23, G32, B52, R19, R11, L81

۱. J.fathollahi@razi.ac.ir

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسوول)

najafi122@gmail.com

۲. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه

zahraalinezhad@ymail.com

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه

۱. مقدمه

در مطالعاتی که به‌منظور برآورد هزینه‌های مبادله صورت گرفته، نتایج حاکی از سهم قابل توجه و رو به رشد این هزینه‌ها در فرایند تولید می‌باشد. برای بیان اهمیت این هزینه‌ها و حجم گسترده و روبه رشد آنها می‌توان به مطالعه والیس و نورث (Wallis & North, 1986) اشاره کرد. آنها با سنجش هزینه‌هایی از قبیل: هزینه‌های بیمه، امور مالی، گرفتن وکیل و حسابدار و بانکداری برای دوره ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰ در اقتصاد آمریکا، به این نتیجه رسیدند که بیش از ۴۵ درصد درآمد ملی به بخش مبادله اختصاص دارد و طی صد سال گذشته تقریباً دو برابر شده است.

همچنین دالری و لیونگ (Dollery & Leong, 1998)، به پیروی از پژوهش نورث و والیس به سنجش هزینه‌های مبادله در اقتصاد استرالیا برای دوره ۱۹۱۱ تا ۱۹۹۱ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش به طور گسترده یافته‌های والیس و نورث را تأیید می‌کند.

سویلویچ و گراکا (Sulejewicz & Graca, 2005) با استفاده از مطالعه والیس و نورث در مورد ایالات متحده و دالری و لیونگ در مورد استرالیا، به برآورد هزینه‌های بخش مبادله برای اقتصاد لهستان در یک دوره زمانی کوتاه‌تر (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲) پرداخته‌اند. آنها بر این باورند که نتایج به طور قابل ملاحظه‌ای نزدیک به یافته‌های دو پژوهش ذکر شده بوده است.

هزینه‌های مبادله نقش مهمی در عملکرد اقتصادی ایفا می‌کنند؛ زیرا انباشت دانش، تخصص‌گرایی، تقسیم‌کار و رونق تجارت تابع معکوسی از هزینه‌های سرانه مبادلات است (Coase, 1998:73)؛ بنابراین هر گونه سیاست‌گذاری برای کاهش آن می‌تواند رونق اقتصادی را به دنبال داشته باشد. شناسایی کانال‌های تأثیرگذاری و سیاست‌گذاری‌های مناسب اقتصادی برای مواجهه با این هزینه‌ها نیز منوط به شناخت انواع و میزان این هزینه‌ها در هر اقتصاد است.

در برآورد هزینه مبادله یکی از مباحث مهم، شناخت مصادیق گوناگون این هزینه‌ها در هر اقتصاد است. یکی از انواع هزینه‌های مبادله در بخش بازرگانی اقتصاد ایران، هزینه‌های سرقفلی می‌باشد که به دلیل ساختار مالکیت غیر شفاف و ناکارآمد (صدر، ۱۳۹۰) از دیرباز گریبانگیر بازار ایران بوده است. هدف این پژوهش، برآورد هزینه سرقفلی واحدهای تجاری خرده‌فروشی در سطح شهر کرمانشاه می‌باشد. در مطالعات خارجی، عمدتاً هزینه‌های مبادله در سطح کلان و با استفاده از داده‌های حساب‌های ملی به صورت مستقیم برآورد شده است. مطالعات داخلی نیز هزینه‌های مبادله را در سطح کلان اما با استفاده از روش‌های غیرمستقیم برآورد نموده‌اند.

نصیری اقدم و نادران (۱۳۸۵)، هزینه مبادله مربوط به شیوه‌های گوناگون تأمین مالی ۴۰ بنگاه کوچک را به روش پیمایشی مورد بررسی قرار دادند.

صادقی و همکاران (۱۳۸۹)، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، ضمن بررسی روند هزینه‌های

مبادله در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵، شاخص‌هایی جهت سنجش این هزینه‌ها در ایران ارائه می‌دهند. آنها ۱۴ مؤلفه مؤثر بر هزینه مبادله و نحوه تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها را بر هزینه‌های مبادله توصیف کرده و از این میان، ۵ شاخص آزادی اقتصادی، نسبت تعداد پرونده‌های مختومه مربوط به چک برگشتی به جمعیت، نسبت هزینه‌های بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی، انحراف معیار نرخ تورم و شاخص نسبت نقد را به‌منظور بررسی روند هزینه‌های مبادله برگزیده‌اند.

صادقی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش دیگری روند تغییرات هزینه‌های مبادله در سطح کلان طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ را از طریق ۷ شاخص: اندازه دولت، نسبت تعداد پرونده‌های مختومه مرتبط با چک در دادگاه‌های عمومی، حاکمیت قانون، فساد اداری، صدور چک‌های بی‌محل، نسبت بودجه عمومی به کل بودجه دولت و نرخ تورم مورد اندازه‌گیری قرار داده‌اند.

در این پژوهش تلاش بر آن است که روشی برای برآورد هزینه مبادله در سطح خرد و به‌صورت مستقیم ارائه گردد. بدین منظور، ابتدا به تعریف مفاهیم اساسی این پژوهش پرداخته‌شده و سپس در ادامه روش تحقیق و نحوه گردآوری اطلاعات و چگونگی محاسبه هزینه سرقفلی بسط و توضیح داده می‌شود و نهایتاً به بیان و تحلیل نتایج حاصل از پژوهش پرداخته می‌شود.

۲. مساله و پرسش تحقیق

هزینه‌های مبادله، بسیاری از متغیرهای اقتصادی از جمله، رونق تجارت، رشد اقتصادی، تخصص و تقسیم‌کار و تورم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین برای برنامه‌ریزی به‌منظور دستیابی به وضعیت بهینه متغیرهای فوق، نیازمند برآورد و اندازه‌گیری هزینه‌های مبادله در اقتصاد ایران هستیم. هزینه‌های مبادله مصادیق مختلفی دارد. یکی از موارد آنها در اقتصاد ایران، هزینه‌های سرقفلی است. مشکلی که از این جهت در اقتصاد ایران وجود دارد، این است که ابهام در مورد انواع مختلف هزینه‌های مبادله و میزان هر کدام از آنها، سبب می‌شود که اندازه‌گیری نقش آنها در متغیرهای مورد اشاره، مبهم و نامشخص گردد و در نتیجه، تبیین وضعیت و برنامه‌ریزی برای رسیدن به وضعیت بهینه دچار اخلال گردد.

این مقاله به دنبال دستیابی به یک برآورد از هزینه‌های سرقفلی واحدهای تجاری در شهر کرمانشاه به عنوان یکی از بخش‌های هزینه‌های مبادله است. بر این اساس، پرسش اصلی این مقاله، عبارت است از اینکه میانگین هزینه‌های سرقفلی در واحدهای تجاری شهر کرمانشاه چقدر است؟

۳. مفاهیم و مبانی نظری

هدف این پژوهش اندازه‌گیری هزینه سرقفلی به عنوان یکی از مصادیق هزینه‌های مبادله در شهر کرمانشاه است. نئوکلاسیک‌ها، در تحلیل پدیده‌های اقتصادی هزینه‌های مبادله را صفر فرض می‌کنند (North, 2005: 65)؛ اما با ظهور و گسترش اقتصاد نهادی به تدریج فرض واقعی‌تر وجود هزینه‌های مبادله مورد پذیرش قرار گرفت. این مقاله بر اساس مبانی نظری اقتصاد نهادی جدید و اهمیت بسزایی که این مبانی نظری برای هزینه‌های مبادله قائل شده است، به اندازه‌گیری یکی از مصادیق هزینه‌های مبادله می‌پردازد. به منظور دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا اشاره کوتاهی به اقتصاد نهادی می‌شود. سپس از طریق تحلیل مفهوم سرقفلی، ارتباط آن با هزینه‌های مبادله تبیین می‌گردد. پس از آن، جایگاه هزینه مبادله از منظر صاحب‌نظران اقتصاد نهادی بیان می‌شود.

۳-۱. اقتصاد نهادی

اصطلاح اقتصاد نهادی برای نخستین بار در سال ۱۹۱۸ توسط والتون همیلتون در یکی از نشست‌های انجمن اقتصاد آمریکا مطرح گردید (Hodgson, 2000: 317). این مکتب حداقل تا دهه ۱۹۴۰ بر اقتصاد آمریکا تسلط داشته است. اقتصاد نهادی در حال حاضر به نهادگرایی قدیم^۱ و جدید^۲ تقسیم می‌گردد. نهادگرایان قدیم به عنوان جریانی انتقادی و معارض نسبت به اقتصاد نئوکلاسیک شناخته شده‌اند. اصطلاح اقتصاد نهادی جدید برای نخستین بار از سوی ویلیامسون (Williamson, 1975) به کار گرفته شده است (Richtre, 2005: 1).

کلین در توضیح اقتصاد نهادگرایی جدید چنین می‌نویسد؛ «نهادگرایی جدید، یک دانش بین‌رشته‌ای است که علم اقتصاد، حقوق، نظریه سازمان، علم سیاست، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی را با هدف درک نهادهای اجتماعی، سیاسی و تجاری ترکیب می‌نماید» (Klein, 1999: 456). وی در رابطه با اهداف مورد نظر نهادگرایی جدید چنین می‌افزاید: «زبان اصلی این مکتب، اقتصاد است و هدف آن توضیح چیستی نهاد، چگونگی پیدایش و همچنین شیوه‌های ایجاد تغییر و اصلاحات در آن و نیز اهدافی که برآورده می‌کند، می‌باشد. اینکه یک نهاد مشخص برای چه اهدافی سودمند است را نیز در بر دارد» (Klein, 1999: 456).

ویلیامسون با تأکید بر وجه تمایز این شاخه از نهادگرایی با نهادگرایی قدیم، اقتصاد نهادگرایی جدید را این‌گونه توضیح می‌دهد: «اقتصاد نهادگرایی جدید بر دو اصل استوار است؛ اول آنکه، نهادها بسیار مهم هستند و دوم اینکه، مشخصه‌های نهادی با استفاده از ابزار اقتصادی قابل تحلیل می‌باشند.

-
1. Old Institutional Economics
 2. New Institutional Economics

مورد اخیر، اقتصاد نهادگرایی جدید را از سایر دیدگاه‌های نهادی متمایز می‌سازد، اما همگی اقتصاددانان نهادگرا در اهمیت نهادها توافق دارند» (Williamson, 2000: 595).

یکی از وجوه تمایز اقتصاد نهادی با اقتصاد نئوکلاسیک، اهمیت هزینه‌های مبادله است. اقتصاد نئوکلاسیک هزینه‌های مبادله را متغیر مهمی تلقی نمی‌کند و در تحلیل پدیده‌های اقتصادی آن را در نظر نمی‌گیرد. اما اقتصاد نهادی همچنان که در ادامه اشاره خواهد شد، اهمیت فراوانی برای نقش هزینه‌های مبادله در عملکرد اقتصادی قائل است.

۲-۳. سرقتی

بررسی پیشینه تاریخی مفهوم سرقتی حاکی از آن است که نهاد سرقتی پیش از آنکه وارد متون قانونی کشور ایران گردد، به صورت عرفی در معاملات مردم معمول بوده است. عرف و عادات تجاری مردم توسط حقوق دانان به عنوان علت پیدایش حقوق مربوط به سرقتی شناخته شده است؛ به بیان دیگر «سرقتی به معنای عام کلمه از جمله تأسیسات حقوقی است که قانون‌گذار به دلیل فراگیری عمومی آن در مبادلات و معاملات تجاری و بازرگانی مردم ناچار به ورود در تعیین مبانی قانونی و دخالت در تصویب قواعد امریه و مواد قانونی لازم‌الاجرا برای آن گردید و لذا بیش و پیش از هر عامل دیگر بایستی عرف معمول در این نهاد را منظور داشت» (حسینی نیک، ۱۳۹۰: ۷۱).

تا مدت‌ها در میان مردم و همچنین در متون قانونی حق سرقتی به همراه حق کسب و پیشه و تجارت به کار برده می‌شد. این در حالی است که «حق سرقتی با حق کسب و پیشه و تجارت از نظر ماهیت حقوقی تفاوت‌های روشنی دارد، هر چند از لحاظ حقوقی ممکن است آثار مشابهی داشته باشند» (عباسی داکانی، ۱۳۸۹: ۸۶). در میان مردم و متون حقوقی نیز هیچ نوع تفکیکی میان آنها صورت نمی‌گرفت و به جای یکدیگر به کار برده می‌شدند. حتی «رویه محاکم نیز سابقاً بر این منوال بود که از لحاظ احکام و آثار، فرقی بین حق سرقتی و حق کسب یا پیشه یا تجارت قایل نبودند» (عبدی پورفرد، ۱۳۸۴: ۹۴)؛ بنابراین با توجه به درهم‌تنیدگی این مفاهیم، به‌منظور روشن شدن مفهوم سرقتی بایستی این دو مفهوم به صورت همزمان مورد بررسی قرار گیرد و وجوه اشتراک و تمایز آنها روشن گردد.

در آیین‌نامه اجرایی قانون تعدیل اجاره‌به‌های مستغلات مصوب سال ۱۳۱۷ برای اولین بار در متون قانونی ایران از حق سرقتی سخن به میان آمده است. «در این آیین‌نامه برای اولین بار کلمه حق سرقتی و حق صنفی مطرح شده است لکن طرح این موارد از این باب بوده که، سردفتر را به درج و تصریح نمودن آنها در سند اجاره ملزم کنند. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ظاهراً مساله سرقتی و آثار آن باعث بروز اشکالاتی شده بوده و طرفین عقد اجاره هم عدم آن را در اسناد قید

می‌کردند و بر این تصریح و قید، آثار مثبت مترتب بوده» (کشاوری، ۱۳۸۴: ۱۶). پس از آن، به دلیل ظهور قحطی و گرانی به دنبال جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران، قانون اختیارات دکتر میلسپو^۱ در مورد تنزل و تثبیت بهای اجناس در ایران به تصویب رسید. «در ماده ۹ این قانون حق کسب و پیشه و تجارت برای مستأجر، با شرایطی شناخته شده است. ... این حق مربوط است به سابقه عمل یا نام مستأجر. به عبارت دیگر این حق، قایم به شخص است نه محل. ... همچنین مستأجر ممکن است سابقه عمل یا نامی که دارای قیمت و اعتبار باشد، نداشته باشد. پس وجود حق کسب و پیشه و تجارت امری محتوم یا مفروض نیست» (کشاوری، ۱۳۸۴: ۲۳).

بعد از تصویب این قوانین که به نوعی، آغازی برای ورود این مفاهیم به متون قانونی محسوب می‌گردند، طی سال‌های مختلف، قوانین متفاوتی در این موارد به تصویب رسید که به طور خلاصه نتایج آن در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول ۱. سیر تاریخی سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در قوانین رسمی

سال	سرقفلی	حق کسب و پیشه و تجارت	توضیحات
۱۳۱۷	✓	-	قانون تعدیل اجاره‌بهای مستغلات
۱۳۳۹	-	✓	تصریح بر نبودن حق سرقفلی در سند اجاره (کشاوری، ۱۳۸۴: ۱۶).
۱۳۵۶	-	✓	قانون روابط مالک و مستأجر
۱۳۶۳	✓	✓	قانون مصوب سال ۱۳۳۹ صراحتاً منسوخ گردید ولی حق کسب و پیشه و تجارت پذیرفته شد (ساعی، ۱۳۸۵: ۴۶).
۱۳۶۵	-	✓	قانون روابط موجر و مستأجر
۱۳۷۶	✓	-	حق کسب و پیشه و تجارت در قانون موجر و مستأجر سال ۵۶ عنوان شرعی ندارد و اگر مقصود سرقفلی باشد طبق تحریرالوسیله عمل شود (ساعی، ۱۳۸۵: ۴۸).
	-	✓	حق کسب و پیشه و تجارت به کلی منتهی می‌شود (کشاوری، ۱۳۸۴: ۳۰).
	✓	-	در این قانون صرفاً از سرقفلی سخن به میان آمده و اصطلاح حق کسب یا پیشه یا تجارت به کار نرفته است (عبدی‌پور فرد، ۱۳۸۴: ۹۴).

مأخذ: استخراج و تلخیص توسط محققان

«آنچه در قانون سال ۱۳۳۹ و ۱۳۵۶ روابط موجر و مستأجر مورد بحث قرار گرفته، سرقفلی - به معنی آنچه در تعاریف آمده - نیست، بلکه همان حق کسب و پیشه و تجارت است که وجود یا عدم سرقفلی و یا به

عبارت دیگر پرداخت یا عدم پرداخت سرقفلی از ناحیه صاحب حق کسب و پیشه و تجارت در بدو اجاره، به مالک و موجر، فقط یکی از عوامل مؤثر در مقدار و میزان آن است» (کشاورز، ۱۳۸۴: ۷).

در آخرین قانون تصویب‌شده در مورد حقوق مذکور در سال ۱۳۷۶، تنها از حق سرقفلی نام برده شده است. منشأ ایجاد چنین حقی نیز، پولی که مستأجر در ابتدای مدت اجاره تحت عنوان حق سرقفلی به مالک می‌پردازد و یا مستأجر ثانی به مستأجر اول می‌پردازد، شناخته شده است؛ زیرا در ماده ۶ همین قانون به صراحت قید شده است که «هرگاه مالک، ملک تجاری خود را به اجاره واگذار نماید، می‌تواند مبلغی را تحت عنوان سرقفلی از مستأجر دریافت نماید. همچنین مستأجر می‌تواند در اثناء مدت اجاره برای واگذاری حق خود، مبلغی را از موجر یا مستأجر دیگر به عنوان سرقفلی دریافت کند، مگر آنکه در ضمن عقد اجاره، حق انتقال به غیر از وی سلب شده باشد» (عباسی داکانی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

در فرهنگ معین، سرقفلی این‌چنین تعریف شده است، «حقی که بازرگان و کاسب نسبت به محلی پیدا می‌کند به جهت تقدم در اجاره، شهرت، جمع‌آوری مشتری و غیره» (معین، ۱۳۸۲: ۱۸۶۹). اما برخی حقوق‌دانان بر این باورند که این تعریف دربردارنده معنای دقیق و واقعی سرقفلی، به مفهومی که پیش از تدوین قوانین مربوطه در بین مردم رواج داشته است، نمی‌باشند. چرا که «با توجه به اینکه تألیف فرهنگ معین بعد از دهه ۱۳۲۰ انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفین در برداشت خود از کلمه سرقفلی تحت تأثیر جریان‌های اقتصادی بوده‌اند. لاجرم آنچه ایشان از لفظ سرقفلی دریافته‌اند، همان است که ما آن را حق کسب و پیشه و تجارت می‌نامیم و مقوله‌ای جدا از سرقفلی به مفهوم اولیه و تاریخی آن است» (کشاورز، ۱۳۸۴: ۵).

مؤلف ترمینولوژی حقوق، دو معنی برای سرقفلی بیان می‌کند: اول «عوض وجهی است که مستأجر محل کسب، از منتقل‌الیه آن محل می‌گیرد بابت سابقه کار خود در آن محل در رابطه با جلب ارباب رجوع، این جزو دارایی نامرئی است و درآمد نیست و مالیات به آن تعلق نمی‌گیرد» و دوم «عوض وجهی است که مالک محل کسب تازه‌ساز در اولین عقد اجاره، علاوه بر اجاره‌بها از مستأجر می‌گیرد. این پول درآمد است و مشمول مالیات بر درآمد است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۱۶۱). همچنین وی حق کسب و پیشه و تجارت را این‌گونه تعریف می‌کند: «حقی است برای مستأجر بازرگان و پیشه‌ور و مطلق کسانی که از طریق اجاره محلی، کسب معاش می‌کنند و لو آنکه بازرگان نباشند، با سرقفلی فرق دارد؛ زیرا شهرت تجاری و وجود مشتریان از عناصر سازنده سرقفلی نیست» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۵۶). همچنین در تعریف دیگری از حق کسب و پیشه و تجارت، چنین آمده است: «حق کسب و پیشه در واقع پاداشی برای نیروی کار یا مدیریت مستأجری است که بتواند درآمد واحد تجاری را افزایش دهد» (صدر، ۱۳۹۰: ۳). چنین به نظر می‌رسد که در این تعریف، سعی بر برجسته کردن وجه تمایز بین حقوق مذکور بوده، به‌نحوی که وی در ادامه این تمایز را چنین

توضیح می‌دهد: «در عین حال نباید این امتیاز را که به خاطر مهارت، قابلیت و استعداد اشخاص مزبور به دست می‌آید، و در واقع نوعی بازدهی به نیروی کار جسمانی یا فکری ایشان است، با افزایش درآمدی که برای یک واحد تجاری بر اثر افزایش تقاضا برای خدمات آن به وجود آمده و اصلاً ربطی به فعالیت یا نوآوری‌های مستأجر نداشته است، مشابه تلقی کرد» (صدر، ۱۳۹۰: ۳).

کاتوزیان نیز با تأکید بر تمایز بین این دو مفهوم و بیان وجه تمایز بین آنها، سرقفلی را این‌چنین تعریف می‌کند: «حقی است که به موجب آن مستأجر متصرف، در اجاره کردن محل کسب خود بر دیگران مقدم شناخته می‌شود. در عرف بازار نیز وقتی می‌گویند، تاجری سرقفلی مغازه‌اش را فروخت، یعنی آن را تخلیه کرد و به دیگری واگذار نمود. این مفهوم هیچگاه شامل انتقال سرمایه تاجر و نام تجاری او نمی‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۵۶: ۶۲).

اغلب حقوق‌دانان به تفاوت میان حق سرقفلی با حق کسب و پیشه و تجارت اعتقاد دارند، هر چند بررسی متون قانونی و یا تعاریف حقوق‌دانان این مطلب را متذکر می‌شود که در اکثر موارد به درستی میان این مفاهیم تفکیک صورت نگرفته و اغلب یکی به جای دیگری به کار رفته است، همچنان که یکی از حقوق‌دانان در این رابطه، این‌گونه بیان می‌دارد: «با بررسی تعریفی که حقوق‌دانانها از معنای اصطلاحی سرقفلی ارائه داده‌اند، به روشنی آشکار می‌گردد که اگر تشتت در آراء و اختلاف در میانی تعریف دارند لیکن با اندکی جسارت نمی‌توان مکتوم داشت که به نحو نسبتاً مشترکی مغلوب وجه غالب اصطلاح سرقفلی (که دامنه شمولش حق کسب و پیشه را نیز در بر می‌گیرد) گردیده‌اند» (حسینی نیک، ۱۳۹۰: ۶۷). به‌منظور روشن‌تر شدن وجوه تمایز میان این دو مفهوم، در جدول (۲) تفاوت مفهوم سرقفلی با حق کسب و پیشه خلاصه شده است.

به رغم وجوه تمایز ارائه‌شده، اغلب، این دو مفهوم به اشتباه به جای هم به کار گرفته شده‌اند. همچنین تعریف سرقفلی در بیشتر موارد شامل حق کسب و پیشه و تجارت نیز می‌باشد. می‌توان گفت: تفاوت حق سرقفلی و حق کسب و پیشه در منشأ آنهاست. حق کسب و پیشه مستند به ایجاد یک امتیاز خاص تجاری در یک محل خاص به دلیل مدیریت بهتر است؛ در صورتی که حق سرقفلی، یک نوع رانت حاصل موقعیت تجاری است که لزوماً با عملکرد مدیریت رابطه‌ای ندارد. بر اساس تعریف نورث (North, 1984: 97) هر دو مورد جزء هزینه‌های مبادله هستند؛ هر چند مفهوم مورد نظر از حق سرقفلی در این پژوهش، همان مفهوم ارائه‌شده از حق سرقفلی در قانون مصوب سال ۱۳۷۶ و همچنین تعریف دوم جعفری لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق است؛ یعنی وجهی که مستأجر به مالک و یا مستأجر دوم به مستأجر اول می‌پردازد و همچنین تمامی خصوصیات ذکرشده در جدول ذیل در مورد آن صدق می‌کند. این حق، لزوماً ارتباطی با مصادیق حق کسب و پیشه و تجارت، همچون شهرت تجاری، جلب مشتری، خلاقیت و ... ندارد.

جدول ۲. مقایسه مفهوم سرقتی با حق کسب و پیشه و تجارت

سرقفلی	حق کسب و پیشه و تجارت
مبلغ و میزان این وجه به موقعیت محلی و کیفیت بنا و تجهیزات عین مستأجره بستگی دارد (کشاوری، ۱۳۸۴: ۷).	حقی است مبتنی بر نوع کسب، شهرت و جلب مشتری و تابعی از درآمد کسبی (عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۵).
ابتدائاً و بدون رابطه استیجاری اعتبار و فرض می‌شود (عبدی پورفرد، ۱۳۸۴: ۱۰۹)؛ بنابراین قطعی‌الوصول است.	در زمان انعقاد قرارداد وجود ندارد و به تدریج و به واسطه تداوم رابطه استیجاری برای مستأجر ایجاد می‌شود (عبدی پورفرد، ۱۳۸۴: ۱۰۹)؛ بنابراین محتمل‌الوصول است.
به مالک و مؤجر پرداخت می‌شود نه به مستأجر اول و لذا شهرت تجاری، رونق کسبی و اعتبار صنفی در تعیین میزان آن تأثیری ندارد (کشاوری، ۱۳۸۴: ۷).	مطابق ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۵۶، به مستأجر متصرف پرداخت می‌شود (عبدی پورفرد، ۱۳۸۴: ۱۰۸).
مالک و موجر است که رقم آن را تعیین می‌کند و داوطلب اجاره مخیر در پذیرش یا رد پیشنهاد موجر است (کشاوری، ۱۳۸۴: ۷).	میزان آن توسط دادگاه و با جلب نظر کارشناسی تعیین می‌شود (عبدی پورفرد، ۱۳۸۴: ۱۰۸).
به پیشه و یا کسب مستأجر بستگی ندارد (عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۵).	مربوط به پیشه مستأجر و حتی در مواقعی پیشه خاص (طبق اجاره‌نامه) می‌باشد (عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۵).
همواره پابرجا و قطعی است (عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۵).	قطعی نبوده و بسته به زمان و میزان سودآوری افزایش و یا کاهش می‌یابد (عزیزی، ۱۳۸۷: ۴۵).

مأخذ: جمع‌بندی و تلخیص توسط محققان

معادل حق سرقفلی در اقتصاد ایران، اصطلاح گودویل^۱ در نظام حقوقی و مطالعات اقتصادی سایر کشورها یافت می‌شود. لیکلاما، سرقفلی را به‌عنوان «ارزش فعلی سودهای مازاد مورد انتظار شرکت در آینده، ناشی از مالکیت» معرفی می‌نماید. این سود اضافی به دلیل نگرش مطلوب نسبت به یک شرکت (نام تجاری آن) کسب می‌گردد. تبلیغات و خدمات خوب، شهرت قابل‌اعتماد، مکان مناسب برای جذب مشتریان، مشتریان ویژه و کارکنان و مدیریت شایسته و باصلاحیت در ایجاد این نگرش نقش دارند. به‌علاوه سودهای اضافی، از صرفه‌های ناشی از مقیاس و مهارت‌های فنی و مدیریتی مشتق می‌شوند. از آنجایی که در مورد درآمدهای آتی هیچ قطعیتی وجود ندارد، اندازه‌گیری چنین مفهومی مشکل است (Lycklama à Nijeholt, 2010: 20). ارزش فعلی درآمدهای پسماند آتی شرکت را نیز سرقفلی می‌نامند. درآمدهای پسماند به‌عنوان ابزار مهم سنجش ارزش مبتنی بر مدیریت یک شرکت مطرح می‌باشند. چون ارزش مفهوم پیش‌گفته مبتنی بر ارزش فعلی درآمدهای پسماند آتی است، لذا ارزش آن بر اساس عملکرد مدیریت اندازه‌گیری می‌شود؛ بنابراین پیوند نزدیکی بین دو

1. Good will

مفهوم ارزش سرقفلی و عملکرد مدیریت وجود دارد (Schultz & Weiler, 2009: 1). در تعریف دیگری چنین آمده است: دارایی‌های ناشناخته و نامشهود یک شرکت که به صورت اختلاف بین ارزش خالص بازاری ناشناخته یک شرکت و ارزش بازاری حقوق صاحبان سهام همان شرکت اندازه‌گیری می‌شود. این امتیاز می‌تواند به صورت داخلی ایجاد گردد و یا اینکه خریداری شود. نمونه‌هایی از مواردی که موجب خلق چنین ارزشی می‌شوند عبارت‌اند از: نام خوب و شهرت شرکت، جذب مشتری، تأمین‌کنندگان و کارکنان قابل‌اعتماد و توانایی افزایش ارزش دارایی‌های شرکت نسبت به رقبا. در حالت دوم، سرقفلی تفاوت بین قیمت پرداختی و ارزش بازاری دارایی‌های شرکت خریداری‌شده می‌باشد (Smith, 2003: 6). در برخی مطالعات دیگر نیز از آن به‌عنوان شهرت تجاری یاد شده است (Farrell & Fearon, 2005: 285).

بنابراین سرقفلی به معنای رایج در اقتصاد ایران - خصوصاً مفهوم تصریح‌شده در قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۷۶- با مفهومی که از گودویل فهمیده می‌شود، متفاوت است. شاید بتوان گودویل را معادل حق کسب یا پیشه یا تجارت در ایران در نظر گرفت^۱. در صورتی که حق کسب یا پیشه یا تجارت در اقتصاد ایران تنها بخشی از سرقفلی را تشکیل می‌دهد و بخش قابل‌توجهی از آن ناشی از رانت حاصل از موقعیت تجاری و ضعف نظام توزیع است.

۳-۳. هزینه مبادله

مفهوم هزینه مبادله برای نخستین بار در مقاله «ماهیت بنگاه» کوز مطرح شد. در واقع مباحث مطرح‌شده در این مقاله مبنایی برای شکل‌گیری بحث گسترده هزینه مبادله گردید تا جایی که خود کوز بیان می‌دارد «آنچه که فکر می‌کنم در آینده بیشتر به آن توجه خواهد شد، سهم این مقاله در معرفی صریح هزینه مبادله به تحلیل اقتصادی است» (Coase, 1992: 716). اهمیت واقعی این مقاله در معرفی هزینه‌های مبادله، با توجه به اهمیت لحاظ کردن این مفهوم در تحلیل‌های اقتصادی روشن خواهد شد. چرا که تمامی تحلیل‌های اقتصادی در چارچوب اقتصاد متعارف با فرض هزینه‌های مبادله صفر، صورت می‌گیرد. کوز اهمیت پرداختن به هزینه‌های مبادله را این‌گونه بیان می‌کند: «بدون مفهوم هزینه مبادله، که به طور گسترده از نظریه اقتصادی فعلی غایب است، فهم عملکرد نظام اقتصادی غیرممکن است و بسیاری از مشکلات را نمی‌توان تبیین و پایه‌ای برای تعیین سیاست قلمداد نمود (Coase, 1988: 6). کوز با پرداختن به این مطلب که چرا سازمان‌دهی برخی فعالیت‌های اقتصادی در یک بنگاه مفیدتر است تا در بازار، هزینه‌های مبادله را به‌عنوان هزینه‌های استفاده از

۱. لازم به ذکر است که مقایسه تطبیقی مفهوم سرقفلی در ایران با سایر کشورهای دنیا خود نیازمند پژوهشی مستقل است.

سازوکار بازار معرفی می‌کند. «دلیل اصلی اینکه چرا ایجاد یک بنگاه مقرون‌به‌صرفه است، به نظر می‌رسد این مطلب باشد که استفاده از سازوکار بازار هزینه‌بر است. برجسته‌ترین هزینه سازمان‌دهی تولید به‌وسیله سازوکار بازار، کشف قیمت‌های مرتبط است. هر مبادله که در بازار صورت می‌گیرد شامل هر دوی هزینه‌های چانه‌زنی و هزینه‌های انعقاد قرارداد می‌باشد» (Coase, 1937: 390).

ارو (Arrow, 1969) هزینه‌های مبادله را «هزینه‌های اداره کردن سیستم اقتصادی» توصیف می‌کند. ویلیامسون آن را «معادل اصطکاک در سیستم‌های فیزیکی» قلمداد می‌کند (Williamson, 1985: 19). نورث هزینه‌های مبادله را به اشکال مختلفی از جمله «هزینه‌های مبادله حقوق مالکیت، هزینه‌های انعقاد و اجرای قراردادها و هزینه‌های به دست آوردن منافع ناشی از تخصصی شدن و تقسیم کار» (North, 1986: 9) تعریف می‌کند. او با تأکید بر هزینه‌های لازم برای بهره‌مند شدن از منافع مبادلات، هزینه‌های مبادله را این‌گونه تعریف می‌کند: «هزینه‌های تعیین و تصریح و تضمین اجرای قراردادها که زیربنای مبادلات هستند و شامل تمام هزینه‌های سازمان سیاسی و اقتصادی می‌باشند و این امکان را برای نظام‌های اقتصادی ایجاد می‌کنند که از منافع تجارت بهره‌مند گردند» (North, 1984: 1)؛ بنابراین می‌توان گفت: «هزینه مبادله مجموعه [تمام] هزینه‌هایی است که برای انجام مبادله بایستی پرداخت شود» (دادگر، ۱۳۸۶: ۹۰).

نورث نیز تمامی ارزش‌افزوده تولیدی مرتبط به مبادلات را به‌عنوان هزینه‌های مبادله تلقی می‌کند (North, 1984: 97). به عقیده وی هزینه کسب اطلاعات را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین بخش هزینه‌های مبادله، در نظر گرفت؛ چرا که نقل و انتقالاتی که در یک مبادله صورت می‌گیرد، شامل هزینه‌هایی است که به خاطر آگاهی از ابعاد مختلف کالاها و خدمات مورد مبادله و همچنین آگاهی از طرفین مبادله، پدید می‌آیند. «سنگینی هزینه (کسب) اطلاعات، کلید فهم هزینه معاملات است که خود شامل هزینه‌های سنجش ویژگی‌های با ارزش اقلام مورد مبادله و هزینه‌های حمایت‌کننده حقوق و هدایت و اجرای قراردادهاست. این هزینه‌های سنجش و اجرا، منشأ نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند» (نورث، ۱۳۷۷: ۵۵). نورث همچنین با اشاره به برخی از انواع هزینه‌های مبادله، منابع عظیمی را که در هر اقتصاد به مبادلات اختصاص پیدا می‌کند، یادآور می‌شود: «فقط کافی است به عقل سلیم مراجعه کنیم تا به سادگی دریابیم که چه تلاش‌ها و منابع قابل توجهی را به امر اندازه‌گیری، اجرا و نظارت بر قراردادها اختصاص داده‌ایم. تعهدنامه‌ها، ضمانتنامه‌ها، علائم تجاری، منابع تخصیص‌یافته به دسته‌بندی و درجه‌بندی، مطالعات زمان‌سنجی و حرکت‌سنجی، تعهدات کارگزاران، داوری، واسطه‌گری و البته کل نظام فرایند دادرسی، همگی منعکس‌کننده حضور فراگیر امر اندازه‌گیری و اعمال هستند» (نورث، ۱۳۷۷: ۶۰).

بنابراین کوز با معرفی هزینه‌های مبادله برای نخستین بار آغازگر اصلاحات قابل توجهی در

تحلیل‌های اقتصادی گردید که شامل کنار گذاشتن فرض مبادلات بدون هزینه در اقتصاد نئوکلاسیک است. این هزینه‌ها توسط اقتصاددانان بزرگی همچون نورث و کوز به‌عنوان هزینه‌های کسب اطلاعات در مورد کالاها و خدمات و سایر موارد مرتبط با مبادلات (که آشکارترین آنها کشف قیمت‌های مرتبط می‌باشد) یا هزینه‌های مصرفی در امر اجرای قراردادها و نظارت بر آنها معرفی گردیده است. در واقع تمامی منابع مورد استفاده توسط کسانی که به نحوی مرتبط با اجرای مبادلات هستند و برای بهره‌مندی از منافع مبادلات به‌کار گرفته می‌شوند، تشکیل‌دهنده هزینه‌های مبادله می‌باشند.

هزینه‌های مبادله تابع نهادهای هر جامعه می‌باشند و همواره این نهادها ترکیبی هستند از نهادهای افزایش‌دهنده هزینه مبادله و نهادهای کاهش‌دهنده آن؛ اما چارچوب‌های نهادی در کشورهای توسعه‌نیافته اغلب به‌وجودآورنده این هزینه‌ها می‌باشند و در جهت غیر مولدتر کردن فعالیت‌های اقتصادی عمل می‌کنند. نورث چارچوب‌های نهادی این جوامع را این‌گونه توضیح می‌دهد: «این فرصت‌ها عمدتاً فعالیت‌هایی را تسهیل می‌کنند که مشوق توزیع مجددند، نه فعالیت‌های تولیدی؛ بیشتر انحصار به وجود می‌آورند تا شرایط رقابتی و بیشتر محدودکننده فرصت‌ها هستند تا خالق آنها. سرمایه‌گذاری آموزشی‌ای که تولید را افزایش دهد به ندرت صورت می‌گیرد. سازمان‌هایی که در این شرایط نهادی توسعه می‌یابند، کارا تر می‌شوند اما کارا تر از حیث غیرمولدتر کردن جامعه و کاهش توان ساختارهای مناسب برای فعالیت‌های تولیدی» (نورث، ۱۳۷۷: ۲۸). سرقفلی در اقتصاد ایران یکی از جمله نهادهایی است که باعث افزایش هزینه‌های مبادله می‌شود. هرچند نورث، هزینه‌های کسب اطلاعات را به‌عنوان مهم‌ترین بخش هزینه‌های مبادله تلقی می‌کند (نورث، ۱۳۷۷: ۵۵)؛ اما به نظر می‌رسد در بخش توزیع اقتصاد ایران، هزینه‌های سرقفلی عمده‌ترین بخش هزینه مبادله را به خود اختصاص می‌دهد.

تعاریف متعدد از هزینه‌های مبادله حاکی از آن است که ارائه یک تعریف جامع از هزینه‌های مبادله که دربردارنده تمامی مصادیق این هزینه‌ها باشد، کار ساده‌ای نیست. چرا که مصادیق این هزینه‌ها با توجه به وجود ساختارهای نهادی مختلف، از جامعه‌ای به جامعه دیگر تا حدودی، متفاوت است. به‌عنوان مثال در اقتصاد ایران به دلیل ناکارآمدی ساختار مالکیت، نهاد سرقفلی بر سیستم توزیع تحمیل شده است (صدر، ۱۳۹۰). این نهاد منشأ پیدایش نوعی از هزینه مبادله در اقتصاد ایران شده است که می‌توان آن را «هزینه سرقفلی» نامید. هزینه سرقفلی ناشی از هزینه فرصت سرمایه‌گذاری واحدهای تجاری در سرقفلی است. بر اساس تعریف نورث (North, 1984: 97) این بخش از هزینه‌ها که به‌منظور انجام مبادلات صورت می‌پذیرد، جزء هزینه‌های مبادله است که در این پژوهش معرفی و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

در این پژوهش با استناد به شواهد آماری گردآوری شده، به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده خواهد شد. از آنجا که اطلاعات و آمار مورد نیاز برای محاسبه هزینه سرقفلی در منابع اطلاعاتی موجود و قابل دسترس وجود نداشت، بنابراین داده‌های پژوهش از طریق روش میدانی به صورت مصاحبه حضوری با مسئول واحد آماری جمع‌آوری شده است. لازم به ذکر است که روش پیمایشی برای استخراج اطلاعات با مبانی روش‌شناختی اقتصادی نهادی بیشتر مطابقت دارد چرا که اطلاعات به صورت مستقیم و بدون واسطه از محیط‌های واقعی کسب و کار استخراج می‌شود (Hodgson, 1998).

مطالعاتی که در اقتصاد ایران روی هزینه‌های مبادله صورت گرفته، از روش‌های غیرمستقیم استفاده نموده‌اند. به عنوان مثال، سامتی و همکاران شاخص «شکاف سرمایه‌گذاری» را برای محاسبه هزینه‌های مبادله مورد استفاده قرار داده‌اند (سامتی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

نصیری اقدم و نادران، از شاخص‌های نقدینگی، شیوه‌های تأمین مالی بنگاه، چک‌های برگشتی، دسترسی به وام‌های غیر بانکی و دسترسی بنگاه‌های کوچک به وام‌های بانکی به عنوان شاخص اندازه‌گیری هزینه مبادله استفاده کرده‌اند (نصیری اقدم و نادران، ۱۳۸۵: ۹۶).

صادقی و همکاران که به محاسبه هزینه‌های مبادله با رویکرد منطق فازی پرداخته‌اند، از انحراف معیار نرخ تورم، شاخص آزادی اقتصادی، نسبت تعداد پرونده‌های چک به کل پرونده‌های بررسی شده در دادگاه‌های عمومی و نسبت هزینه‌های امور عمومی به تولید ناخالص داخلی، به عنوان عوامل مؤثر بر هزینه مبادله، برای محاسبه هزینه مبادله استفاده نموده‌اند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

در پژوهش دیگری با بهره‌گیری از روش دلفی از ۷ متغیر: شاخص اندازه دولت، نسبت تعداد پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی، شاخص حاکمیت قانون، شاخص فساد اداری، شاخص صدور چک‌های بلامحل، شاخص نسبت بودجه عمومی به کل بودجه دولت و شاخص نرخ تورم، برای محاسبه هزینه‌های مبادله استفاده شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵).

لازم به ذکر است که در تمامی این مطالعات، هزینه مبادله به شکل غیرمستقیم محاسبه گردیده است. نوآوری این پژوهش، برآورد هزینه مبادله (هزینه سرقفلی) به صورت مستقیم و با استفاده از آمار و اطلاعات دنیای واقعی می‌باشد.

تمام کارگاه‌های خرده‌فروشی بجز خرده‌فروشی وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت شهر کرمانشاه، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد. واحد آماری در این پژوهش، یک کارگاه خرده‌فروشی است که در زمان سرشماری عمومی کارگاهی در سال ۱۳۸۱ در یکی از فعالیت‌های رده «چ» (خرده‌فروشی بجز خرده‌فروشی وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت) شهر کرمانشاه اشتغال

داشته و کد فعالیت آنها یکی از کدهای چهار رقمی طبقه‌بندی استاندارد فعالیت‌های اقتصادی^۱ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲). زمان آماری اطلاعات اقتصادی پژوهش، سال ۱۳۹۱ بوده و همچنین بهار ۱۳۹۲ زمان آمارگیری در این تحقیق می‌باشد. آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه با استفاده از استنباط آماری به کل جامعه (شهر کرمانشاه) تعمیم داده می‌شود.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، تصادفی گروهی (طبقه‌ای) است. بدین ترتیب که ابتدا با استفاده از فرمول کوکران، در سطح خطای نمونه‌گیری ۰/۳۵ و سطح اطمینان ۸۰ درصد، تعداد نمونه ۵۰ واحد محاسبه گردید^۲. سپس، این تعداد نمونه به نسبت تعداد کارگاه‌های هر طبقه به کل کارگاه‌های این بخش، بین کدهای چهار رقمی ISIC توزیع شده است. اطلاعات مربوط به تعداد کارگاه‌ها در هر کد فعالیت چهار رقمی ISIC و تعداد کل کارگاه‌ها در این رده، از نتایج حاصل از سرشماری عمومی کارگاهی سال ۸۱ استخراج شده است. ضمناً تعدیل‌های لازم با توجه به تحولات صورت گرفته در نوع و تعداد واحدهای تجاری از سال ۸۱ تا کنون، صورت گرفته است. در ادامه با توجه به اهداف پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. طبق این روش ابتدا کل جامعه آماری به دو منطقه، بازار اصلی شهر و سایر مناطق تفکیک شده، سپس با توجه به اینکه واحدهای تجاری در بازار اصلی شهر بیشترین حجم کالاهای مصرفی مردم را تأمین می‌کنند، ۶۰ درصد تعداد نمونه در هر کد فعالیت، به بازار اصلی شهر و ۴۰ درصد آن به سایر مناطق تعلق گرفته است. معیار تقسیم مناطق تجاری به بازار اصلی و سایر مناطق، عرف منطقه می‌باشد.

لازم به ذکر است که تعداد نمونه و درصد خطای نمونه‌گیری با توجه به محدودیت‌های پژوهش در رابطه با روش جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شده است. چرا که به دلیل هزینه‌بر بودن، زمان‌بر بودن و محدودیت‌های پیش‌رو در روش مصاحبه حضوری، در این پژوهش امکان کاهش سطح خطای نمونه‌گیری و افزایش تعداد نمونه وجود نداشت.

در نهایت، پس از انجام مصاحبه با واحدهای تجاری در سطح نمونه، با توجه به طبقه‌بندی نمونه‌ها در هر کد فعالیت و حجم جامعه آماری، اطلاعات از طریق رابطه زیر به کل جامعه تعمیم داده می‌شود.

$$\hat{Y} = \sum_{i=1}^k N_i * \hat{y}_i$$

که در آن، \hat{Y} معرف هزینه سرفلی واحدهای تجاری در کل جامعه مورد بررسی، N_i نشان‌دهنده تعداد واحدهای تجاری در کد فعالیت A_m و \hat{y}_i بیانگر متوسط هزینه سرفلی واحدهای تجاری در کد

1. International Standard Industrial Classification (ISIC)

۲. رابطه کوکران که در آن d نمایانگر دقت برآورد، S انحراف معیار و N تعداد کل جامعه آماری می‌باشد، برابر

$$n = \frac{N(T*S)^2}{Nd^2 + (T*S)^2} \quad : (۲۷۷: ۱۳۸۲)$$

است با (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲: ۲۷۷):

فعالیت α م در سطح نمونه و k تعداد کدهای ISIC می‌باشد.

۵. برآورد متوسط هزینه سرقتی در واحدهای تجاری شهر کرمانشاه

هزینه سرقتی در واقع میانگین هزینه فرصت هر واحد تجاری برای سرقتی محل کسب خود می‌باشد. به‌منظور برآورد متوسط هزینه سرقتی واحدهای تجاری در شهر کرمانشاه، از هزینه اجاره سرقتی هر واحد به‌عنوان هزینه فرصت سرقتی آن واحد تجاری استفاده شده و بنابراین، برای نیل به این هدف، ابتدا هزینه اجاره برای تمامی واحدها از نتایج مصاحبه با واحدهای تجاری استخراج و برای واحدهایی که استیجاری نبوده‌اند، هزینه اجاره به‌صورت جداگانه برای هر واحد برآورد گردیده، بدین‌صورت که برای هر واحد تا حد ممکن واحد مشابه به‌عنوان مبنای محاسبه هزینه اجاره در نظر گرفته شده و در برخی از واحدها نیز از نظرات کارشناسان مشاوران املاک و مستغلات برای دستیابی به هزینه اجاره سرقتی واحد مورد نظر استفاده به عمل آمده است.

سپس، متوسط هزینه سرقتی در هر کد فعالیت ISIC در سطح نمونه محاسبه و با توجه به تعداد واحدها در هر کد فعالیت در سطح کل جامعه آماری بر اساس سرشماری عمومی کارگاهی سال ۸۱، متوسط هزینه سرقتی در هر کد فعالیت در سطح کل جامعه آماری محاسبه گردیده است.

همچنین نمونه‌گیری برای محاسبه هزینه سرقتی در کل کارگاه‌های خرده‌فروشی بهینه شده و بنابراین، توزیع نمونه‌ها بین کدهای ISIC تنها برای افزایش دقت محاسبه صورت گرفته و میانگین محاسباتی برای کدهای چهار رقمی ISIC قابل تعمیم نبوده و لذا در نهایت، میانگین هزینه سرقتی در کل کارگاه‌های خرده‌فروشی در سطح نمونه محاسبه شده است.

جدول ۳. خلاصه نتایج استخراجی از مصاحبه با واحدهای نمونه در بازار اصلی شهر
(مبالغ به هزار ریال)

ردیف	نوع واحدها بر اساس کدهای چهار رقمی ISIC	ارزش سرقفلی	مساحت کارگاه (مترمربع)	هزینه سرقفلی (سالانه)	هزینه سرقفلی به ازای هر مترمربع در سال
۱	۵۲۲۱	۷۰۰۰۰۰	۲۵	۳۸۵۰۰۰	۱۵۴۰۰
۲	۵۲۲۳	۲۰۰۰۰۰	۱۵	۷۴۰۰۰	۴۹۳۳
۳	۵۲۲۳	۵۴۰۰۰۰	۱۸	۳۰۰۰۰۰	۱۶۶۶۷
۴	۵۲۲۳	۴۰۰۰۰۰	۳۰	۱۴۸۰۰۰	۴۹۳۳
۵	۵۲۲۳	۳۰۰۰۰۰	۳۰	۱۳۲۰۰۰	۴۴۰۰
۶	۵۲۲۳	۱۲۰۰۰۰	۱۲	۵۲۸۰۰	۴۴۰۰
۷	۵۲۲۳	۱۷۰۰۰۰	۱۲	۷۴۸۰۰	۶۲۳۳
۸	۵۲۲۳	۲۰۸۰۰۰	۱۶	۱۸۰۰۰۰	۱۱۲۵۰
۹	۵۲۷۱	۳۲۵۰۰۰	۱۳	۱۱۷۰۰۰	۹۰۰۰
۱۰	۵۲۷۱	۴۰۰۰۰۰	۱۶	۱۴۴۰۰۰	۹۰۰۰
۱۱	۵۲۷۳	۵۰۰۰۰۰	۱۸	۳۲۰۰۰۰	۱۷۷۷۵
۱۲	۵۲۷۳	۵۰۰۰۰۰	۲۰	۱۸۰۰۰۰	۹۰۰۰
۱۳	۵۲۷۵	۶۲۰۰۰۰	۳۱	۱۴۵۲۰۰	۴۶۸۴
۱۴	۵۲۷۵	۲۴۰۰۰۰	۱۵	۵۵۲۰۰	۳۶۸۰
۱۵	۵۲۷۵	۲۲۰۰۰۰	۱۰	۱۸۰۰۰۰	۱۸۰۰۰
۱۶	۵۲۷۵	۴۰۰۰۰۰	۱۸	۱۸۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۷	۵۲۷۶	۵۰۰۰۰۰	۱۷	۳۲۰۰۰۰	۱۸۸۲۴
۱۸	۵۲۷۷	۸۰۰۰۰۰	۴۱	۴۴۴۰۰۰	۱۰۸۲۹
۱۹	۵۲۷۹	۳۰۰۰۰۰	۱۸	۱۹۲۰۰۰	۱۰۶۶۷
۲۰	۵۲۸۱	۳۰۰۰۰۰	۱۸	۱۹۲۰۰۰	۱۰۶۶۷
۲۱	۵۲۸۵	۱۰۸۰۰۰۰	۹	۶۰۰۰۰	۶۶۶۷
۲۲	۵۲۸۸	۱۲۰۰۰۰	۱۲	۹۶۰۰۰	۸۰۰۰
۲۳	۵۲۸۸	۳۰۰۰۰۰	۲۴	۲۴۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۲۴	۵۲۹۲	۵۰۰۰۰۰	۱۲	۳۲۰۰۰۰	۲۶۶۶۷
۲۵	۵۲۹۵	۳۰۰۰۰۰	۳۳	۱۴۴۰۰۰	۴۳۶۴
۲۶	۵۲۹۹	۲۰۰۰۰۰	۱۰	۱۵۹۶۰۰	۱۵۹۶۰
۲۷	۵۲۹۹	۵۲۵۰۰۰۰	۲۱	۴۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰
۲۸	۵۲۹۹	۸۰۰۰۰۰	۲۵	۶۴۰۰۰۰	۲۵۶۰۰
	میانگین	۳۷۸۴۲۸۶	۱۹	۲۱۰۵۵۷	۱۱۳۴۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۴. خلاصه نتایج استخراجی از مصاحبه با واحدهای نمونه در سایر مناطق شهر

(مبالغ به هزار ریال)

ردیف	نوع واحدها بر اساس کدهای چهار رقمی ISIC	ارزش سرففلی	مساحت کارگاه (مترمربع)	هزینه سرففلی (سالانه)	هزینه سرففلی به ازای هر مترمربع در سال
۱	۵۲۲۱	۳۰۰۰۰۰۰	۳۰	۱۱۱۰۰۰	۳۷۰۰
۲	۵۲۲۱	۱۳۰۰۰۰۰	۱۳	۴۸۰۰۰	۳۶۹۲
۳	۵۲۲۲	۳۵۰۰۰۰۰	۱۳	۲۸۸۰۰	۲۲۱۵
۴	۵۲۲۲	۱۸۰۰۰۰۰	۲۸	۱۱۴۰۰۰	۴۰۷۱
۵	۵۲۲۲	۲۰۰۰۰۰۰	۲۱	۳۹۶۰۰	۱۸۸۶
۶	۵۲۲۳	۲۰۰۰۰۰۰	۲۵	۴۲۰۰۰	۱۶۸۰
۷	۵۲۲۳	۵۰۰۰۰۰۰	۱۸	۴۱۰۰۰	۲۲۷۸
۸	۵۲۲۳	۷۵۰۰۰۰۰	۲۰	۴۸۰۰۰	۲۴۰۰
۹	۵۲۲۳	۳۰۰۰۰۰۰	۸۰	۱۹۲۰۰۰	۲۴۰۰
۱۰	۵۲۲۳	۳۰۰۰۰۰۰	۳۵	۱۱۴۰۰۰	۳۲۵۷
۱۱	۵۲۲۳	۱۵۰۰۰۰۰	۴۰	۶۰۰۰۰	۱۵۰۰
۱۲	۵۲۲۳	۱۲۰۰۰۰۰	۴۰	۶۰۰۰۰	۱۵۰۰
۱۳	۵۲۲۳	۱۰۰۰۰۰۰	۳۶	۴۰۰۰۰	۱۱۱۱
۱۴	۵۲۲۳	۶۰۰۰۰۰۰	۳۰	۵۴۰۰۰	۱۸۰۰
۱۵	۵۲۲۳	۳۰۰۰۰۰۰	۱۵	۲۷۰۰۰	۱۸۰۰
۱۶	۵۲۲۳	۸۰۰۰۰۰۰	۴۰	۳۰۴۰۰	۷۶۰
۱۷	۵۲۷۹	۲۰۰۰۰۰۰	۴۰	۷۴۰۰۰	۱۸۵۰
۱۸	۵۲۸۳	۶۰۰۰۰۰۰	۳۰۰	۵۴۰۰۰۰	۱۸۰۰
۱۹	۵۲۸۳	۲۰۰۰۰۰۰	۶۰	۶۲۴۰۰	۱۰۴۰
۲۰	۵۲۸۳	۶۰۰۰۰۰۰	۳۰	۵۴۰۰۰	۱۸۰۰
۲۱	۵۲۸۴	۲۴۰۰۰۰۰	۱۲	۲۱۶۰۰	۱۸۰۰
۲۲	۵۲۸۷	۳۰۰۰۰۰۰	۵۰	۱۱۱۰۰۰	۲۲۲۰
	میانگین	۱۶۷۹۰۹۱	۴۴	۸۶۹۴۵	۲۱۱۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جداول (۳) و (۴) اطلاعات مربوط به ارزش سرقتی و هزینه سالیانه سرقتی برای هر یک از واحدهای نمونه درج شده است. هزینه سرقتی برای واحدهای استیجاری، معادل هزینه اجاره سرقتی سالیانه‌ای می‌باشد که هر واحد پرداخت می‌کند. همچنان که مشاهده می‌شود، میانگین ارزش سرقتی واحدهای مستقر در بازار اصلی شهر ۳۷۸۰ میلیون ریال برآورد شده که حداقل مبلغ ارزش سرقتی برابر با ۱۰۰۰ و حداکثر آن برابر با ۸۰۰۰ میلیون ریال و ارقام مشابه برای سایر مناطق به ترتیب برابر با ۱۶۸۰، ۲۴۰ و ۶۰۰۰ میلیون ریال بوده و متوسط هزینه سرقتی (اجاره سرقتی) سالیانه هر واحد تجاری در نمونه انتخابی در بازار اصلی برابر با ۲۱۰ میلیون ریال و در سایر مناطق برابر با ۸۷ میلیون ریال محاسبه شده است.^۱

جدول (۵) متوسط هزینه سرقتی در سطح نمونه به تفکیک هر کد چهار رقمی ISIC و تعمیم آن به کل جامعه آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۵. متوسط هزینه سرقتی در سطح جامعه آماری در هر کد چهار رقمی ISIC

(مبالغ به هزار ریال)

ردیف	کد ISIC	متوسط هزینه سرقتی	تعداد کارگاه	کل هزینه سرقتی
۱	۵۲۲۱	۱۸۱۳۳۳	۱۰۰۵	۱۸۲۲۴۰۰۰۰
۲	۵۲۲۲	۶۰۸۰۰	۸۳۳	۵۰۶۴۶۴۰۰
۳	۵۲۲۳	۹۲۷۷۷	۵۸۵۳	۵۴۳۰۲۲۷۸۱
۴	۵۲۷۱	۱۳۰۵۰۰	۵۶۶	۷۳۸۶۳۰۰۰
۵	۵۲۷۲	۲۵۰۰۰۰	۴۸۳	۱۲۰۷۵۰۰۰۰
۶	۵۲۷۵	۱۴۰۱۰۰	۱۳۱۹	۱۸۴۷۹۱۹۰۰
۷	۵۲۷۶	۳۲۰۰۰۰	۴۴۶	۱۴۲۷۲۰۰۰۰
۸	۵۲۷۷	۴۴۴۰۰۰	۳۴۵	۱۵۳۱۸۰۰۰۰
۹	۵۲۷۹	۱۳۳۰۰۰	۶۶۲	۸۸۰۴۶۰۰۰
۱۰	۵۲۸۱	۱۹۲۰۰۰	۴۱۴	۷۹۸۴۴۰۰۰
۱۱	۵۲۸۳	۲۱۸۸۰۰	۸۹۴	۱۹۵۶۰۷۲۰۰
۱۲	۵۲۸۴	۲۱۶۰۰	۲۰۶	۴۴۴۹۶۰۰
۱۳	۵۲۸۵	۶۰۰۰۰	۲۳۰	۱۳۸۰۰۰۰۰
۱۴	۵۲۸۷	۱۱۱۰۰۰	۴۵۵	۵۰۵۰۵۰۰۰
۱۵	۵۲۸۸	۱۶۸۰۰۰	۲۱۸	۳۶۶۲۴۰۰۰
۱۶	۵۲۹۲	۳۲۰۰۰۰	۳۲۸	۱۰۴۹۶۰۰۰۰
۱۷	۵۲۹۵	۱۴۴۰۰۰	۱۱۹	۱۷۱۳۶۰۰۰
۱۸	۵۲۹۹	۴۰۶۵۳۳	۳۸۲	۱۵۵۲۹۵۶۰۶
	جمع (کل/ میانگین)	۱۸۸۵۸۰	۱۵۹۸۳	۳۰۱۴۰۷۴۱۴۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱. از آنجاکه آمار تعداد کارگاه‌ها به تفکیک بازار اصلی و سایر مناطق در دسترس نیست، لذا امکان تعمیم نتایج دو جدول فوق به کل جامعه وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان هزینه‌های سرقتی کل جامعه را به تفکیک بازار اصلی و سایر مناطق برآورد نمود.

همچنان که مشاهده می‌شود هزینه سرقتی سالیانه تحمیلی از ناحیه حق سرقتی بر واحدهای خرده‌فروشی شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۱ معادل ۳۰۱۴ میلیارد ریال (۳۰۱ میلیارد تومان) می‌باشد. به بیان دیگر هر واحد خرده‌فروشی سالیانه هزینه‌ای بالغ بر ۱۸۹ میلیون ریال به‌واسطه وجود حق سرقتی متحمل می‌شود؛ یعنی هر واحد تجاری ماهیانه ۱۵ میلیون ریال باید هزینه سرقتی پرداخت کند. بدیهی است صاحبان این مشاغل باید این هزینه را از محل ارائه خدمات خود تأمین مالی کنند. شاید یکی از دلایل پرهزینه بودن نظام توزیع که باعث تفاوت زیاد بین قیمت دریافتی تولیدکننده و قیمت پرداختی مصرف‌کننده می‌شود، وجود هزینه‌های سنگین سرقتی باشد.

ارزش سرقتی کل واحدهای تجاری خرده‌فروشی در سطح جامعه آماری برابر با ۴۵۶۷۹ میلیارد ریال می‌باشد. با فرض تعمیم نسبت سرمایه به تولید کشور به استان کرمانشاه، میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این استان برای سال ۱۳۹۱ (در خوش‌بینانه‌ترین حالت) برابر ۸۶ هزار میلیارد ریال برآورد می‌شود. با این حساب، ارزش سرقتی واحدهای تجاری خرده‌فروشی در شهر کرمانشاه به تنهایی ۵۳ درصد کل ارزش سرمایه‌گذاری انجام‌شده در استان است؛ به‌عبارت‌دیگر، آزادسازی سرمایه‌های بلوکه‌شده در سرقتی واحدهای تجاری خرده‌فروشی شهر کرمانشاه، می‌تواند منابع سرمایه‌گذاری استان را به میزان ۵۰ درصد افزایش دهد. رقم برآورد شده برای ارزش سرقتی، تنها متعلق به واحدهای تجاری خرده‌فروشی است که قابل‌توجه می‌باشد. بدیهی است چنانچه ارزش سرقتی واحدهای عمده‌فروشی نیز لحاظ شود، با توجه به نقش مرکزی شهر کرمانشاه در سیستم توزیع استان و منطقه، سرمایه‌های بلوکه‌شده در سرقتی در مقایسه با کل سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، از مقدار ذکرشده هم بیشتر می‌گردد؛ بنابراین وجود نهاد سرقتی علاوه بر تحمیل هزینه گزاف بر سیستم توزیع، بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌ها را نیز به‌صورت راکد به خود مشغول کرده است و هرگونه اصلاحی در این نهاد می‌تواند علاوه بر کاهش فشارهای تورمی، منابع قابل‌توجهی نیز برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی آزاد کند.

جدول ۶. روند ارزش افزوده، موجودی سرمایه و سرمایه‌گذاری در استان کرمانشاه ۹۱-۱۳۷۹

سال	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	موجودی سرمایه (میلیارد ریال)	سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)	سال	ارزش افزوده (میلیارد ریال)	موجودی سرمایه (میلیارد ریال)	سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)
۷۹	۸۷۴۶	۳۰۶۱۰	□	۸۶	۴۱۹۵۰	۱۴۶۸۲۵	۲۸۹۰۸
۸۰	۱۰۵۹۶	۳۷۰۸۵	۶۴۷۵	۸۷	۵۳۲۶۰	۱۸۶۴۰۹	۳۹۵۸۴
۸۱	۱۳۶۳۲	۴۷۷۱۲	۱۰۶۲۷	۸۸	۶۳۵۹۷	۲۲۲۵۹۰	۳۶۱۸۰
۸۲	۱۷۳۷۳	۶۰۸۰۵	۱۳۰۹۳	۸۹	۷۹۳۱۷	۲۷۷۶۰۹	۵۵۰۱۹
۸۳	۲۲۷۰۶	۷۹۴۷۳	۱۸۶۶۷	۹۰	۹۸۹۲۲	۳۴۶۲۲۸	۶۸۶۱۹
۸۴	۲۷۸۴۸	۹۷۴۷۰	۱۷۹۹۷	۹۱	۱۲۳۳۷۴	۴۳۱۸۰۸	۸۵۵۸۰
۸۵	۳۳۶۹۰	۱۱۷۹۱۶	۲۰۴۴۷				

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات محققان

۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعات حاکی از سهم قابل توجه و روبه رشد هزینه‌های مبادله در اقتصادهاست. مطالعاتی که تاکنون در ایران برای اندازه‌گیری هزینه‌های مبادله انجام شده، با استفاده از روش‌های غیرمستقیم، اقدام به اندازه‌گیری هزینه مبادله در سطح کلان نموده‌اند. در این مطالعه، با استفاده از روش مستقیم، هزینه مبادله در سطح خرد اندازه‌گیری شده است.

هزینه‌های مبادله مصادیق مختلفی دارد و یکی از مهم‌ترین مصادیق آن در اقتصاد ایران هزینه‌های سرقتی است. این پژوهش به طور خاص به مطالعه و اندازه‌گیری هزینه‌های سرقتی در سطح شهر کرمانشاه، به‌عنوان یکی از انواع هزینه‌های مبادله اختصاص یافته است. آمار و اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه این هزینه‌ها از طریق مصاحبه حضوری با واحدهای تجاری خرده‌فروشی در سطح شهر کرمانشاه جمع‌آوری گردیده است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

۱. متوسط هزینه سرقتی سالیانه برای هر واحد تجاری خرده‌فروشی در بازار اصلی شهر برابر با ۲۱۰ میلیون ریال و در سایر مناطق شهر برابر با ۸۶/۹ میلیون ریال می‌باشد.

۲. جمع هزینه سرقتی کل واحدهای خرده‌فروشی در سطح شهر کرمانشاه معادل ۳۰۱۴ میلیارد ریال می‌باشد.

۳. ارزش سرقتی کل واحدهای تجاری خرده‌فروشی در سطح جامعه آماری برای سال ۱۳۹۱ برابر با ۴۵۶۷۹ میلیارد ریال می‌باشد. این مبلغ تقریباً معادل ۵۳ درصد کل سرمایه‌گذاری انجام شده در استان کرمانشاه در سال مورد بررسی است.

- پس از بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه و با توجه به اهمیت موضوع و اینکه تا کنون هیچ مطالعه اقتصادی در این زمینه صورت نگرفته است، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:
- به منظور اندازه‌گیری متوسط هزینه سرقتی به روش پیمایشی، حجم نمونه انتخابی به تفکیک مناطق مختلف شهر بهینه گردد تا قابلیت تعمیم به جامعه با دقت بیشتری فراهم شود. برای تقسیم‌بندی مناطق می‌توان از دفترچه تقویم املاک سازمان امور مالیاتی نیز کمک گرفت.
 - انجام مطالعه برای برآورد هزینه‌های سرقتی در واحدهای تجاری عمده‌فروشی شهر کرمانشاه.

منابع و مأخذ

- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲) «روش‌های کاربردی تحقیق»؛ انتشارات کیهان، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸) «ترمینولوژی حقوق»؛ گنج دانش. چاپ دهم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱) «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»؛ انتشارات گنج دانش، جلد سوم، چاپ دوم.
- حسینی نیک، سید حسین (۱۳۹۰) «بررسی راه‌های واگذاری و انتقال سرقفلی»؛ ماهنامه کانون، شماره ۱۲۴.
- دادگر، یداله (۱۳۸۶) «نقش قضیه Coase و هزینه مبادله در تحولات جدید اقتصادی»؛ نامه مفید، ۱۳(۶۰) (نامه اقتصادی): ۸۹-۱۱۴.
- ساعی، سید محمدهادی (۱۳۸۵) «سرقفلی و مقایسه آن در قوانین جدید و قدیم»؛ ماهنامه دادرسی شماره ۵۵، سال دهم.
- سامتی، مرتضی؛ صامتی، مجید و ابوالفضل جنتی مشکانی (۱۳۸۳) «بررسی نقش هزینه مبادله بر تورم رکودی در ایران (۱۳۷۹-۱۳۵۰)»؛ جستارهای اقتصادی، بهار و تابستان - شماره ۱، ص ۹۵-۱۲۶.
- صادقی، حسین و همکاران (۱۳۸۹) «برآورد روند هزینه‌های مبادله در اقتصاد ایران با رویکرد منطق فازی»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دهم، شماره سوم، صص ۱۴۹-۱۲۵.
- صادقی، حسین؛ وفایی یگانه، رضا و مریم آقانسیری (۱۳۹۱) «سنجش و تحلیل هزینه‌های مبادله در اقتصاد ایران»؛ فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۷۱.
- صدر، کاظم (۱۳۹۰) «نقش سرقفلی در بازسازی توسعه مراکز تجاری»؛ اولین اجلاس اقتصاد شهری.
- عباسی داکانی، خسرو (۱۳۸۹) «بررسی و مقایسه حق سرقفلی با حق کسب یا پیشه یا تجارت»؛ ماهنامه کانون، شماره ۱۱۲.
- عبدی پورفرد، ابراهیم (۱۳۸۴) «رویکردی تحلیلی به ماهیت حق و کسب یا پیشه یا تجارت و حق سرقفلی»؛ مجله فقه و حقوق، سال دوم، شماره ۶.
- عزیزی، سعید (۱۳۸۷) «تأملی بر سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت»؛ دوماهنامه کارشناس، شماره ۷۳.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۶) «حقوق مدنی، عقود معین»؛ دانشگاه تهران، چاپ اول.
- کشاوری، بهمن (۱۳۸۴) «بررسی تحلیلی قانون جدید روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶»؛ نشر کشاورز، چاپ چهارم.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۲) «سرشماری عمومی کارگاهی ۱۳۸۱، نتایج تفصیلی استان کرمانشاه». تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی.
- مرکز آمار ایران، گزارش حساب‌های منطقه‌ای استان‌های کشور، قابل دسترسی در www.amar.org.ir

- معین، محمد (۱۳۸۲) «فرهنگ فارسی» جلد دوم؛ چاپ بیستم، انتشارات امیرکبیر.
- نصیری اقدم، علی و نادران، الیاس (۱۳۸۵) «هزینه مبادله تأمین مالی بنگاه‌های تولید- ساخت (مطالعه موردی ۴۰ بنگاه کوچک)»؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۴، صص ۱۲۱-۸۳.
- نورث، داگلاس سی. (۱۳۷۷) «نهادها تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی»؛ ترجمه‌ی محمدرضا معینی، چاپ اول، تهران: سازمان برنامه‌و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات.
- Arrow, Kenneth J. (1969) "The Organization of Economic Activity: Issues Pertinent to the Choice of Market versus Non-Market Allocation"; In: The Analysis and Evaluation of Public Expenditures: The PBB System, Government Printing Office, Washington D.C.
- Coase, R. H. (1937) "The Nature of the Firm"; *Economica*, Vol. 4, No. 16: 386- 405.
- Coase, R. H. (1988) "The Firm, the Market and the Law"; University of Chicago Press.
- Coase, R. H. (1992) "The Institutional Structure of Production"; *The American Economic Review*, Vol. 82, Issue 4: 713- 719.
- Coase, R. H. (1998) "The New Institutional Economics"; *The American Economic Review*, Vol. 88, No. 2: 72-74.
- Dollery, B. & Leong, Wai Ho (1998) "Measuring the Transaction Sector in the Australian Economy, 1911- 1991"; *Australian Economic History Review*, Vol. 38, No. 3.
- Farrell, Carlyle & Fearon, Gervan (2005) "Renting Goodwill in International Marketing Channels: An Analysis of Pricing Strategies and Bargaining Power"; *Atlantic Economic Journal*: 285-296.
- Hodgson G. M. (1998) "The Approach of Institutional Economics"; *Journal of Economics Literature*, Vol. XXXVI: 166-192.
- Hodgson, Geoffrey M. (2000) "What is the Essence of Institutional Economics?"; *Journal of Economic Issues*, Vol. XXXIV, No. 2.
- Klein, Peter G. (1999) "New Institutional Economics"; Department of Economics, University of Georgia.
- Lycklama à Nijeholt & Maaïke Pieternel (2010) "Goodwill and value creation of acquisitions"; Alpha Zet prepress, Waddinxveen.
- North, D. C. (1984) "Transaction Costs, Institutions, and Economic History"; *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 140: 7- 17.
- North, D. C. (2005) "Understanding the Process of Economic Change"; Princeton University Press.
- Richter, Rudolf (2005) "The New Institutional Economics: Its Start, Its Meaning, Its Prospects"; *The European Business Organization Law Review (EBOR)*, 6 (2): 161 – 200.
- Schultze, Wolfgang & Weiler, Andreas (2009) "Goodwill Accounting and Performance Measurement"; University of Augsburg, Germany.
- Smith, David John (2003) "The Information Value of Earnings Excluding

-
- Goodwill Amortisation in Publicly Listed New Zealand Companies”; MA thesis, Massey University.
- Sulejewicz, A. & Graca, P. (2005) “Measuring the Transaction Sector in the Polish Economy, 1996-2002”; 9th Annual Conference of International Society for New Institutional Economics.
- Wallis, J. J. & North, D. C. (1986) “Measuring the Transaction Sector in the American Economy, 1870- 1970”; University of Chicago Press.
- Williamson, Oliver E. (1985) “The Economic Institutions of Capitalism – Firms, Market, Relational Contracting”; New York: The Free Press.
- Williamson, Oliver E. (2000) “The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead”; Journal of Economic Literature, Vol. XXXVIII: 595- 613.